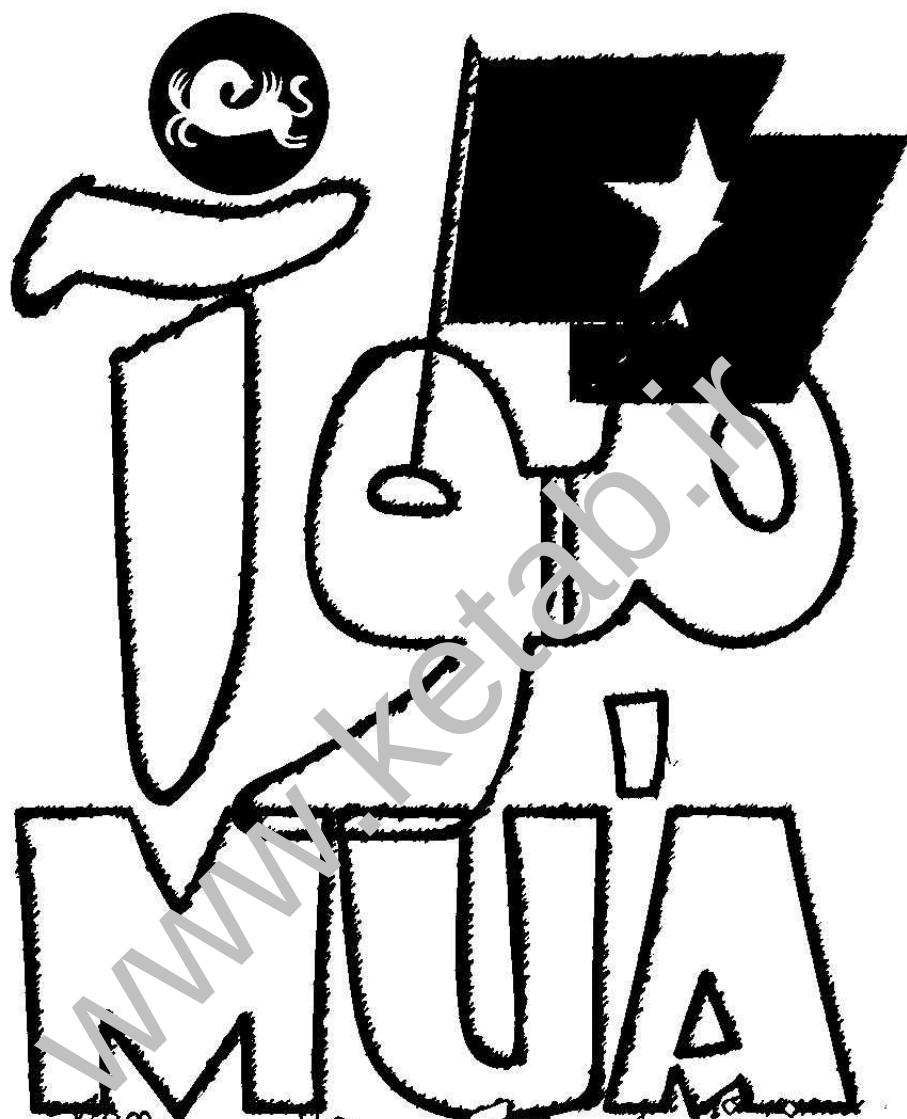




سفرنامه و عکس‌های ویتنام
مصور صادق‌الدین

موا



سفرنامه و عکس های ویتنام

نویسنده/منصور ضابطیان

طراح گرافیک/حبیب ایلون

چاپ اول، اردیبهشت ۹۷ / ۲۲۰۰ نسخه

شابک / ۱۲-۳-۴۸۸۱-۶۰۰ / ۳۵۰۰۰ تومان

www.mosallas.com

info@mosallas.com

OSALLAS_PUBLICATIONS

نشر مثلث. تهران. کد پستی: ۳/۳۳۱۶۰. تلفن و دورنگار: ۸۲-۸۸۹۹۶۴۸۰

سرشناسه: ضابطیان، منصور، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: موا = Mu'a: سفرنامه و عکس های ویتنام / منصور ضابطیان.

مشخصات نشر: تهران: نشر مثلث، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

شابک: 3-12-8482-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: سفرنامه و عکس های ویتنام.

موضوع: ضابطیان، منصور، ۱۳۴۹ -- سفرها -- ویتنام -- خاطرات

موضوع: سفرنامه های ایرانی -- قرن ۱۴

موضوع: Travelers' writings, Iranian -- 20th century

موضوع: ویتنام -- سیر و سیاحت

موضوع: Vietnam -- Description and travel

رده بندی کنگره: ۴۶۵/۸م۲ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۴/۹۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۸۷۹۸

ح/تمامی حقوق برای نشر مثلث محفوظ است.

فهرست

— مقدمه

کلی سرخ هانوی

بروچی

دیک ماه

لم دراز ساله

شهر گمنام

چشمه هایش

فو

هو هو... چشم چشم

بعد از ظهر سگی

حسین آقا کنار دریاچه

سوسک کنتاکی

۲۳

۲۷

۳۳

۳۹

۴۵

۵۳

۵۷

۶۱

۶۹

۷۵

۷۹

۸۵

www.ketablab.ir

۸۹

خانواده‌ی دکتر هو

۹۷

هبوط ازدها

۱۰۵

دردسرهای سایا

۱۱۹

ایستگاه بعد، بازار

۱۲۵

هپی نیمرو

۱۲۹

دیوونه

۱۳۳

کافی

۱۳۷

نان و ماسک!

۱۴۱

نفرین به جنگ

۱۴۹

کافه‌ی ۹ طبقه

۱۵۷

پاریس در سایگون

۱۶۱

کارت سفید

۱۶۸

تاریخ کوتاه ویتنام

www.ketab.ir

مقدمه



— هانوی، پایتخت ویتنام، ۵۰ کیلومتر از تهران فاصله دارد. جایی آن سوی جهان، دورتر از تایلند و به دوری چین. شاید فقط فیلیپین را بتوان شرقی‌تر از آن دانست. نام ویتنام برای نسل پیشین ما یادآور جنگی ستیزه‌آمیز از آن شنیده‌ایم اما کمتر می‌دانیم چه آغاز و انجامی داشته است. برای نسل ما که خود در جنگ بزرگ شد، نام ویتنام یادآور نام رنج‌های که پنی‌ای بود که با شیوه‌ی پخت ایرانی به بدترین شکل ممکن تبدیل می‌شد. شاید بچه‌های امروز اسم ویتنام را بیشتر روی برندهای کفش و لباس دیده باشند... به همین دلیل بعید می‌دانم کسی از ما جلوه‌ای از هنر و فرهنگ ویتنام را به خاطر داشته باشد یا چیزی غیر از اینها بدانند!

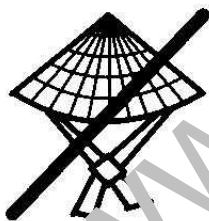
دلیل اینکه ویتنام را برای سفر انتخاب کردم شاید به خاطر همین رازآلودگی بود. چیزی درباره‌اش نمی‌دانستم و به نظرم سرزمین بکر و جذابی می‌آمد. پس یک روز نشستم پای اینترنت و شرایط گرفتن ویزا، نظرات آدم‌هایی که آنجا رفته بودند، شرایط پروازها و... را بررسی کردم. مشتاق‌تر شدم. به نظرم باید ویتنام را می‌دیدم و خوانندگان کتاب‌هایم را با آنجا آشنا می‌کردم.

— فریاد آن روز بلیتی رزرو کردم، مدارکم را زدم زیر بغلم و رفتم سفارت ویتنام و در نخستین روزهای پاییز ۹۶ راهی ویتنام شدم. سرزمین رهانه‌ای آغاز و به هوشی مین سیتی (سایگون) ختم شد. در آن مین شهرهای دیگری را هم دیدم. به خلیج‌ها لونگ و ساپا، رردم. دلتای مک‌کونگ را پیمودم و مثل همیشه آدم‌های زیادی را در خاطراتم ثبت کردم. طبیعی است که در این کتاب تنها بخش‌هایی را آورده‌ام که می‌توانند برای خواننده‌ی ایرانی‌ها بیان‌انگیز باشد. اطلاعات مربوط به وقایع مربوطه یا اطلاعات تاریخی و جغرافیایی را تا جایی که لازم بوده لابه‌لای روایت‌ها گنجانده‌ام، اما این کتاب هم مثل کتاب‌های قبلی‌ام ادعایی بر ارائه‌ی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی ندارد؛ مستندترین این اطلاعات را می‌توان در یک جستجوی ساده در اینترنت پیدا کرد. این کتاب فقط برداشت‌های شخصی من، در این برهه از زندگی‌ام، از سفر به کشوری به نام ویتنام است.

— و حالا یک بار دیگر سعی کرده‌ام خواننده را در تجربه‌های بازیگوشانه‌ی شخصی‌ام سهیم کنم. نام کتاب از یک تجربه‌ی مداوم در ویتنام گرفته شده. با آنکه در همه‌ی سایت‌ها و کتاب‌ها خوانده بودم که ماه‌های سپتامبر و اکتبر کم‌باران‌ترین

و بهترین زمان برای سفر به ویتنام است، اما ظاهراً معنای «کم باران» در ویتنام با آنچه در فرهنگ ما وجود دارد بسیار متفاوت است.

— در این سفر کمتر روزی بود که باران نیارد، حتا شده به اندازه‌ی چند بارش سبک. تقریباً تمام وسایلم نم کشید. کتاب راهنمایم خیس خورد، در کفش‌هایم می‌شد قورباغه پرورش داد و.... اما همه‌ی اینها تجربه‌ی سفر بارانی‌ام در ویتنام را ناب‌تر و خاص‌تر کرد. ویتنامی‌ها به باران می‌گویند «موآ» (Mu'a) و به یادبود حضور این باران ممتد، تصمیم گرفتم نام کتاب را همین بگذارم. حالا «موآ» پیش روی شماست و امیدوارم از خواندنش لذت ببرید. انتشار این کتاب را چون همیشه مدیون دوست قدیمی‌ام نیما سلیمی، مدیر نشر مثلث مسنم و مترجم و مترجم‌های کتاب هم حاصل هنر حبیب ایلون است که با ترجمه‌ی فداوان روزهای زیادی را صرف آن کرد. علاوه بر این در ترجمه‌ی لیلیا هدایت پورو اشکان فریدی نیز سپاسگذاری می‌کنم.



منصور ضابطیان

روستای ۱۳۹۷

!